

مقدمه

متادرام نمایشی است که دنیاهای ساخته و برساخته نمایش در آن وجود دارند و به نوعی نگاهی به دنیای نمایش‌های طراحی شده درون نمایش دارد، از آنجا که در متادرام به دنیای نمایشی پرداخته می‌شود که در خود امکان اجرای نمایش دیگر را می‌دهد می‌تواند اثری نمایشی درباره چگونگی شکل‌گیری و ساخته شدن دنیای نمایش در برابر دنیای واقعی باشد. متادرام یک اجرای طراحی شده توسط شخصیت‌هایی می‌باشد که خودشان واقعاً در حال اجرای نمایش باشند. به عبارت دیگر یک نمایش در نمایش است. متادرام قادر به ساخت نمایشنامه‌ای در فضای نظریه و تفسیر بر نمایش اولیه و اصلی می‌باشد. متادرام به نمایشنامه‌نویس این توانایی را می‌دهد که مخاطبان را از یک نمایشنامه به فضایی عمیق‌تر ببرد. متادرام نمایشی است درباره کارکرد نمایش، یعنی نمایشی که چگونگی اثرگذاری نمایش در دنیای واقعی بر روی مخاطبین را نشان می‌دهد.

- با اینکه شواهدی دال بر برگزاری تعزیه سوگ سیاوش در دست است اما تعزیه را به مراسم‌های نمایشی که برای خاندان پیامبر اسلام و بطور خاص واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) برگزاری شده می‌گویند. بیضایی تعزیه را چنین تعریف می‌کند: «شبهه‌گردانی» یا «شبهه‌خوانی» یا «تعزیه» نمایشی بوده است، در اصل بر پایه‌ی قصه‌ها و روایات مربوط به زندگی که برای امام حسین و خاندانش پیش آمد، ولی بزودی گسترش یافت و همه‌ی جنبه‌های داستانی و تفریحی فرهنگ توده را شامل شد.» (بیضایی، ۱۳۷۹، صص ۱۱۴-۱۱۳)

تاریخ دقیقی از شروع تعزیه به شکل و فرم امروزی در دست نیست چون که تعزیه تحولاتی را پشت سر می‌گذارد تا تبدیل به ساختار امروزی می‌شود. شروع دسته‌های عزاداری به شکل راهپیمایی را از زمان آل بویه می‌دانند و ارج و اهمیتی که شاهان صفوی به شیعه و امامان آن قایل می‌شوند بر رشد آن می‌افزاید و در دوران قاجار و سلطنت فتحعلی شاه به اوج

خود رسیده و شاکله اصلی آن به اجرا درمی‌آمد. بیشترین اطلاعات ما درباره تعزیه در گزارش‌های جهانگردان و خارجیان ساکن در ایران است. سرهنگ گاسپاردروویل در ۱۲۰۰ شمسی مشاهدات خود را از تعزیه‌ای در تهران چنین گزارش می‌کند: «مهم‌ترین مرحله‌ی نمایش روز دهم محرم بر صحنه می‌آید. در این روز یکی از درباریان که ایفای نقش حسین بن علی به وی محول شده است با سوارانی به تعداد همراهان حسین به هنگام عزیمت به کوفه، به میدان می‌آید. ناگهان عبیدزاد در رأس چندین هزار سرباز سر می‌رسد، اما امام حسین از تسلیم و بیعت سرباز می‌زند و با وجود همراهان معدود خویش با شجاعت و شهامت به جنگ ادامه می‌دهد. من از دیدن این صحنه‌ی جاندار که چیزی از واقعیت کم نداشت به حیرت افتادم. حیرتم وقتی بیشتر شد که دیدم پس از پایان نمایش از آن چهار هزار تن که بدون رعایت نظم و احتیاط به جان هم افتاده بودند حتی یک تن نیز زخمی نشده است...» (بیضایی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۹)

متادرام در تعزیه

فرید میر شکار



تعزیه به سه دسته تقسیم می‌شود که هر کدام به موضوعات خاصی می‌پردازد؛
«۱» واقعه، ۲) پیش‌واقعه، ۳) گوشه.

واقعه شامل تعزیه‌نامه‌های اصلی است درباره شهادت امام حسین(ع) و یارانش. محور این قسمت از تعزیه، شهادت است. پیش‌واقعه، تعزیه‌نامه‌های فرعی بودند که از حیث داستانی استقلالی نداشتند؛ بلکه در ارتباط با یک واقعه به نمایش درمی‌آمدند. یکی از این پیش‌واقعه‌ها، مجلس عباس هندو بود که اجرا می‌شد. گوشه‌ها شبیه‌هایی بودند که در آنها عناصر کمیک وجود داشت و از حیث داستانی نیز مستقل بودند. گوشه‌ها، گاه، حالت مذهبی خود را از دست می‌دادند و متمایل به درام مذهبی می‌شدند.» (ملک‌پور ۱۳۶۳، ص ۲۴۴)

در اجرای هر تعزیه کامل که به آن مجلس می‌گفتند، تعزیه‌گردان یا کسی که وظایف کارگردان را برعهده دارد، اشخاص بازی یا شبیه و تعداد زیادی سیاهی لشکر حضور دارند شبیه‌خوانان گفتگوها را به زبان شعر می‌گویند و به دو دسته اشقیا و اولیا تقسیم می‌شوند.

تعزیه‌گردان در طول اجرای تعزیه در صحنه حضور دارد گاهی بین اجرای شبیه‌خوانان سخنانی می‌گوید و در تمام طول اجرا به هدایت آنها پرداخته و یا دستوراتی می‌دهد. و گاهی دسته موسیقی را به نواختن یا سکوت می‌خواند، شبیه‌خوانان از حفظ یا از روی نسخه تعزیه به اجرا می‌پردازند. هر کدام از شبیه‌ها در یکی از دستگاه‌های موسیقی می‌خواند. ابزار روی صحنه قراردادی و بعضی از آنها نمادین هستند. مثل ظرف آبی به جای فرات و یا چند برگ نخل به جای نخلستان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تعزیه نمایشی قراردادی است. تعزیه‌گردان می‌تواند در طول اجرای تعزیه در صحنه حضور داشته باشد و دستوراتی بدهد ولی او در زمانی که تعزیه‌گردان است بازی نمی‌کند و دیگر نقش نداشته و در قالب نقشی هم نمی‌رود، بازیگران یا شبیه‌خوانها هم هر کدام در شخصیت و موقعیت خود تثبیت شده هستند. امکان دارد صحنه‌ای را در مجلسی کوتاه یا براساس شرایط، قسمتی را جایجا کرد اما در شخصیت‌های بازی هیچگونه تغییری امکان ندارد مگر آنکه شخصیت بازی بمیرد و در لباس دیگری نقشی متفاوت بازی کند. بازیگران در ارتباط مستقیم با تماشاگران قرار نمی‌گیرند آنها گفتگویی با مخاطبان ندارند، فقط تعزیه‌گردان که او هم راوی است و یا برای اعلام مجلس‌هایی که می‌خواهند اجرا شوند یا مخاطب ارتباط دارد، اما مواردی که از نظر متا درام می‌شود به آن توجه ویژه‌ای کرد، اول همان تأکید تعزیه بر اینکه شما در حال دیدن و تماشای شبیه شخصیت‌ها هستید و عکس‌العمل بازیگران، شکل بازی آنها و اعلام مستقیم که ما بازیگر

شبیه این شخصیت‌ها هستیم در نوع خود قابل تفکر است، تا جایی که بیشتر اوقات خود شمر قبل و بعد از به شهادت رساندن امام حسین(ع) گریه می‌کند یا در مرثی خوانده شده به عزاداری و گریه می‌پردازد، در تعزیه‌هایی هم که مردان در نقش زنان بازی می‌کنند و این را همه می‌دانند قابل بررسی است ولی در آنجا تماشاگر شخصیت بازی را به عنوان زن می‌پذیرد و شکی در هنگام اجرای نقش ندارد. در تعزیه‌هایی که زنان به جای زنان بازی می‌کنند (در تعزیه‌های بوشهر) این موضوع نیز دیگر وجود ندارد.

دوم، در نسخه‌های تعزیه و بعضی از مجلس‌های تعزیه گوشه‌هایی وجود دارد که از تعزیه اصلی خارج هستند و به شکلی اتفاق دیگری را نشان می‌دهد و یا تشریح می‌کند که با فاصله زیادی از آن واقعه اصلی اتفاق می‌افتد و یا حادثه‌ای که هم‌زمان در جایی دورتر در جریان است و با روایت آن توسط یکی از شبیه‌ها و یا اجرای بقیه شاهد آن خواهند بود. این واقعه قطعه‌ای است جداگانه، برای تأکید و یا نشان دادن شخصیت بارز شبیه‌ها و یا آموزش و یادآوری یکی از اصول دینی و یا مذهبی و سنت‌هایی که در بین مردم وجود دارد و یا قرار است رایج باشد. و در بعضی مجلس‌ها برای پرداختن به واقعه اصلی تعزیه که، همان واقعه کربلا و شهادت امام حسین(ع) و یاران و خانواده‌اش

است. حال نگاهی می‌اندازیم به چند مجلسی که در آنها گوشه‌ای را به نمایش می‌گذارند و یا تشریح می‌کنند؛

در تعزیه ذبح اسماعیل(ع)، در جایی به ارزش‌گذاری و گرامیداشت مهمان به عنوان حبیب خدا پرداخته می‌شود و اتفاقی که بین حضرت ابراهیم(ع) و گبر می‌گذرد و جبرئیل بر فرمایش خداوند در خصوص مهمان تأکید می‌کند، اما قسمتی که در پایان این مجلس وجود دارد گریزی است که به واقعه کربلا زده می‌شود، از منظر زمانی فاصله بسیاری با زمان حضرت ابراهیم(ع) دارد ولی برای گرمی داشت و یادی از آن واقعه عظیم آورده می‌شود.

«ابراهیم - بر گو به من ای امین حق، جبرائیل

بهر چه ندا رسیده از رب جلیل

قربانی من مگر نفرموده قبول

از غصه مرا نموده افکار و ملول

جبرئیل - قربانی تو قبول شد نزد خدا

اکنون بشنو واقعه کرب و بلا

هفتاد و دو تن همه و یاران حسین

قربانی حق شوند و قربان حسین

ابراهیم - دلم از این شهادت می‌خراشد

حسین آیا ز اولاد که باشد

جبرئیل - ز اولاد علی آن شیر یزدان

محمد جد او ختم رسولان

ابراهیم - بگو به من که کجا هست دشت کرب و بلا



جبرئیل - بیا میان دو انگشت من نظاره نما
 ابراهیم - چه لشکری است! بگو آن چه از دحام بود؟
 جبرئیل - تمام از پی قتل همان امام بود
 ابراهیم - بگو حسین کدام است اندر آن صحرا؟
 جبرئیل - همان کسی که ستاده است یکه و تنها
 ابراهیم - بگو چه در آن سرزمین نمودار است
 جبرئیل - بگو که کیست دو دستش جدا از پیکر
 ابراهیم - بگو که کیست دو دستش ز خون
 خضاب بود؟
 جبرئیل - بدان که قاسم داماد آن جناب بود
 ابراهیم - جوان نوخط دیگر به خون بود غلطان
 جبرئیل - علی اکبر فرزند شاه دین است آن
 ابراهیم - یکی است طفل که حلقش بود نشانه تیر
 جبرئیل - گل ریاض حسین است اصغر بی شیر
 ابراهیم - برای چیست که این قوم ببیند این بد؟
 جبرئیل - برای آنکه خدا شیعه را بیامرزد»
 (صالحی راد ج اول، ۱۳۸۰ ص ۳۶)

مجلس تعزیه عمروین عبود واقعہ کربلا از زبان
 جبرئیل، در مجلس تعزیه تولد امام حسین (ع)
 توسط پیغمبر و جبرئیل و حضرت فاطمه (س) و
 در مجالس تعزیه فضل و فتاح، که فتاح از میان
 انگشتان امام علی (ع) واقعہ کربلا را می بیند، و
 یا در مجلس تعزیه وفات پیامبر از زبان پیامبر و
 ... به همین ترتیب و در بیشتر مجالس تعزیه به
 هر شکل مختلف از واقعہ کربلا سخنی به میان
 می آید و آن اتفاق بزرگ یادآوری می شود. در
 مجالسی دیگر نیز، با نگاه اشخاص که از میان
 انگشتان پیامبر و یا امامان می توانند اتفاق هایی
 را، که خود گوشه های در تعزیه هستند، مشاهده
 کرد. در مجلس تعزیه غشام خیبری علقمه از
 میان انگشتان حضرت علی (ع) پیامبر و حسن (ع)
 و حسین (ع) را می بیند و یا جدہ از میان انگشتان
 امام حسین (ع) واقعہ کربلا را می بیند.

«علی - من به سرداران رضایم این بدان
 لیک سری هست گویا در میان
 در میان هر دو انگشتم نگر
 بنگری اسرار این مطلب مگر

علقمه - من آفتاب ندیدم شبیه و مثلش نیست
 عجب شکوه و جلالی به من بفرما کیست
 علی - همان سپهر سعادت رسول لم یزلی است
 شفیع روز قیامت پسر عموی علی است
 تمام خلقت کون و مکان و ارض و سما
 شد از برای وجود او در این جهان برپا

در تعزیه به چاه انداختن یوسف (ع) نیز وقتی
 جبرئیل به سمت آن حضرت می رود که در ته
 چاه است باز اشارہ ای به واقعہ کربلا می شود و
 شرح حال آنها با توجه به اینکه زمان زیادی فاصله
 بین این دو است، گفته می شود. در تعزیه های
 دیگر نیز به حادثہ کربلا گریز زده می شود، در



علقمه به دست راست عیان است کودکی چون ماه شوم فدات ز نامش مرا نما آگاه
 علی - عزیز و نور دو چشمم بود امام حسن که عاقبت کشد او را به زهر کین دشمن امام شیعه ولیعهد مرتضی باشد سرور سینه زهرا و مصطفی باشد
 علقمه مستاده کودک دیگریه دست چپ او کیست؟ عیان ز جبهه او نور کردگار جلی ست
 علی - گل سلاله آل عبا حسین من است شهید وادی کرب و بلا حسین من است ز جن و انس که ماوا به نشاتین دارند تمام غرق گناهند و یک حسین دارند
 علقمه - شود شهید چرا او به دشت کرب و بلا گناه او چه بود یا علی بیان فرما
 علی - نکرده هیچ گناهی حسین معصوم است شود شهید به راه خدا و مظلوم ست
 به راه امت شیعه دهد سر خود را که شفاعت آنها کند به روز جزا»
 (صالحی راد ج اول، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶-۱۶۵)
 درباره گوشه‌هایی که به شکل مستقلی در مجالس تعزیه می‌آیند می‌توان به داستانهای مختلفی اشاره داشت، مثل حکایت فطرس که توسط امام

رضاع(ع) که هر کدام خود گویای حکایت‌هایی است که دارای اهمیت هستند.
 «مأمون - شوم فدای تو ای مهتر صغیر و کبیر کجا برفتی و باز آمدی به روی سربر که بود آن که به لبیک او شدی غایب؟ که ترک مسندتان گشت بر شما واجب؟ امام - غریبی مرده بود اندر دماوند غریب و بی کس و بی یار و فرزند ز آهش داغ کهنه گشت تازه برفتم بهر تشییع جنازه مأمون - شما کذب و بهتان پیشه باشد مدام از راستی اندیشه باشد کجا طوس و کجا شهر دماوند از این گونه سخنها تا کی و چندان؟ امام - فرو بنشان تو کافر نار خشمت بیا بنگر که تا بینی به چشمت نکیرین - به حکم خالق قیوم یکتا زبان بگشا بشو ای مرده احیا بگو ربت که هست ای مرد بی کس سلمانی - رضا جان وقت شد فریاد من رس امام - رسیدم ای جوان اندر دماوند بگو ربم بود یکتا خداوند

سلمانی - بدان باشد حسین سربریده نکیرین - امام چهارم است که برملا بود امام - بگو بیمار دشت کربلا بود سلمانی - بدان بیمار دشت کربلا بود نکیرین - بگو از پنجم ششم موافق امام - بگو باقر بود مظلوم صادق سلمانی - یکی باقر دگر مظلوم صادق نکیرین - بگو هفتم امامت ای ملازم امام - شهید ز هر کین موسای کاظم سلمانی - شهید ز هر کین موسای کاظم نکیرین - بگو هشتم تو نام باوفایش امام - بگو آن کس که گرید دیده‌هایش سلمانی - علی موسی‌الرضا جانم فدایش نکیرین - خوشا بر حال تو ای مرد غمناک بخواب آسوده اندر توده خاک امام - ندیدی حال ای مأمون نادان تو معجزه از امام انس و جان مأمون - به قربانت شوم رویم سیاه است خدا داند پیمبر هم گواه است شوم قربانت ای شاه یگانه
 بپر تشریف این دم سوی خانه»
 (صالحی راد ج دوم، ص ۳۴۰-۳۳۸)



حسین(ع) شفاعت می‌شود در مجلس تعزیه تولد امام حسین(ع) یا درگیری اشکبوس و فرزندش و معجزه حضرت علی(ع) در مجلس تعزیه فضل و فتاح، حکایت قصاب و کنیز و زن آبکش در تعزیه شهادت حضرت علی(ع)، خواستگاری حضرت قاسم در تعزیه شهادت امام حسن(ع)، شفای کوره، باغبانی که به امام دروغ می‌گوید، ضمانت آهو و سلمانی غریب و گوشه‌ی سؤال و جواب از مرده توسط نکیر و منکر در تعزیه مجلس حضرت امام

سلمانی - بدان ربم بود یکتا خداوند نکیرین - چه کس آیا امام اولی بود امام - امام اولت بر گو علی بود سلمانی - امام اولین من علی بود نکیرین - بگو دوم امامت را درین دم امام - بگو باشد حسن دوم امامم سلمانی - بدان باشد حسن دوم امامم نکیرین - بگو سوم امامت غم رسیده امام - بگو باشد حسین سربریده

منابع

- ۱- بیضایی، بهرام، نمایش در ایران، تهران انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۹
- ۲- صالحی راد، حسن، مجلس تعزیه جلد اول، تهران انتشارات سروش، ۱۳۸۰
- ۳- صالحی راد، حسن، مجلس تعزیه جلد دوم، تهران انتشارات سروش، ۱۳۸۰
- ۴- ملک پور، جمشید، ادبیات نمایشی در ایران جلد اول، تهران انتشارات توس، ۱۳۶۳